

فصل دوم:

ارتباط چیست؟

بطور کلی «ارتباط»، به رفتارها، کنش‌ها و ساخت‌وسازهایی توجه دارد که هدف اصلی آن‌ها تحت تاثیر قراردادن مخاطب و نفوذ در فکر، احساس و رفتار اوست. هنگام برقراری «ارتباط»، دو نیروی مختلف به کار می‌افتند. اول باید طرف مقابل یا مخاطب را تحت تاثیر قرار دهیم یا در او نفوذ کنیم، و دوم این‌که به خومان یادآور شویم که چه کسی هستیم یا می‌خواهیم چه کسی باشیم. برای توصیف بهتر «ارتباط» می‌توان گفت که ارتباط به کار یا فعالیتی گفته می‌شود که برای تبادل اطلاعات، یا پیام و معنا در زمان و مکانی معین با استفاده از ابزار و فنونی مختلف انجام می‌شود. راه‌های طبیعی مثل تولید صدا، حرکات بدن، دست و صورت نیز برای «ارتباط» وجود دارد که مورد بحث ما نیست. راه‌های ارتباطی بسیارند از جمله، ارتباط از راه مکالمهٔ رودررو، با تلفن، رادیو، نامه‌نگاری، ارسال پیامک، ایمیل، انتشار بروشور و گزارش‌های چاپی و ...

ارتباط فرایندی است که بین دو طرف برقرار می‌شود، که ممکن است دو فرد باشد یا تعدادی بیش‌تر. ارتباط را می‌توان به مثابهٔ فرایند توصیف کرد تا پدیده یا رخداد که یکباره اتفاق می‌افتد، زیرا فقط طی یک فرایند است که دو طرف با برنامه و آگاهانه یا ناخودآگاه به دلیل داشتن زمینه‌های مشترک، شرایط یکدیگر را بررسی می‌کنند، فضای مشترک فکری یا فرهنگی بین خود را پیدا می‌کنند، و پس از آن با ارسال پیام قابل فهم به یکدیگر، به هدف یا معنای مشترکی می‌رسند. در ارتباط رودررو، فرستنده و دریافت کنندهٔ پیام به عنوان دو طرف از یکدیگر جدا نیستند؛ نگاه‌های ظریفی که بینشان رد و بدل می‌شود، لحن صدا، حالت‌های صورت، حرکات دست و بدنشان همگی در فهماندن معنا به طرف مقابل کمک می‌کنند، و سرانجام اگر هیچ‌یک از این‌ها موثر نباشد، چون با هم روبرو هستند، از یکدیگر منظورشان را می‌پرسند و پاسخی دقیق‌تر دریافت می‌کنند. مشکل از آن‌جا شروع می‌شود که فرستنده خبر در دسترس و در مقابل دریافت کنندهٔ خبر نباشد، و گاه خطای کوچکی از طرف تنظیم‌کنندهٔ پیام، موجب تعبیر نادرست یا بطورکلی، متوجه نشدن پیام شود.

مدتهاست که موضوع «ارتباط» با نظریه‌های متعددی به نام کلی «علوم ارتباطات»، در سطح‌های مختلف آموزشی تدریس می‌شود. رشته‌های وابسته به «علوم ارتباطات» یا زیرمجموعه‌های آن با عنوان‌های متعددی شناخته می‌شوند. تعدادی از این رشته‌های وابسته از این قرارند: ارتباط آموزشی، نظریه‌های ارتباط، رسانه‌های الکترونیک، ارتباط در بهداشت، ارتباطات بین‌المللی و فرهنگی، زبان و تعامل‌های اجتماعی، ارتباطات سازمانی، مطالعات هنرهای نمایشی، ارتباطات سیاسی، روابط عمومی، زبان‌شناسی، نشانه‌شناسی، اطلاع‌رسانی و... موضوع مورد توجه این فصل، ارتباط تصویری و طراحی گرافیک است.

رشته‌های «طراحی گرافیک»، «تصویری‌سازی»، «عکاسی»، «تلویزیون» و ... در عین حال که زیرمجموعه‌های مهمی از هنرهای تجسمی‌اند، به‌عنوان رشته‌هایی از «ارتباط تصویری» نیز شناخته شده‌اند. ولی علی‌رغم این موضوع، در بخش آموزش این رشته‌ها، به ندرت به مباحث بنیادین علوم «ارتباط» به‌عنوان سرفصل آموزشی توجه شده است. بخشی از این بی‌توجهی به این دلیل است که مباحث «ارتباط» برای هنرجویان و بسیاری از معلمان، اساتید و هنرآموزان هنرهای تجسمی جذاب نیست. از این‌رو لازم است هرچند به شکل خلاصه، به مباحث و نظریه‌های «ارتباط» اشاره شود، زیرا هدف نهایی ایجاد توانایی تجزیه و تحلیل آثار گرافیک در حوزه «ارتباط تصویری» است.

بنابر تعریف بسیار ساده شده، «ارتباط» انتقال اطلاعات از جایی به جای دیگر است. براساس همین فرمول ساده، برای اولین بار دو نفر از کارشناسان و نظریه‌پردازان «ارتباط از راه دور» [Tele-communication] به نام شانون [Shannon] و ویور [weaver] در سال ۱۹۸۱ الگویی برای «ارتباط» پیشنهاد کردند. در این الگو پنج عامل در فرایند «ارتباط» نام برده شده است که در ارزیابی و تحلیل فرایند «ارتباط» موثرند. عامل دیگری را تیز می‌توان به این پنج عامل افزود که همان موج‌ها یا عامل‌های مزاحمی است که می‌توانند در مسیر ارتباط میان فرستنده خبر و گیرنده آن وارد، و موجب کاهش وضوح پیام شوند.

-فرستنده- رمزگذاری- مسیر- رمزگشایی- گیرنده

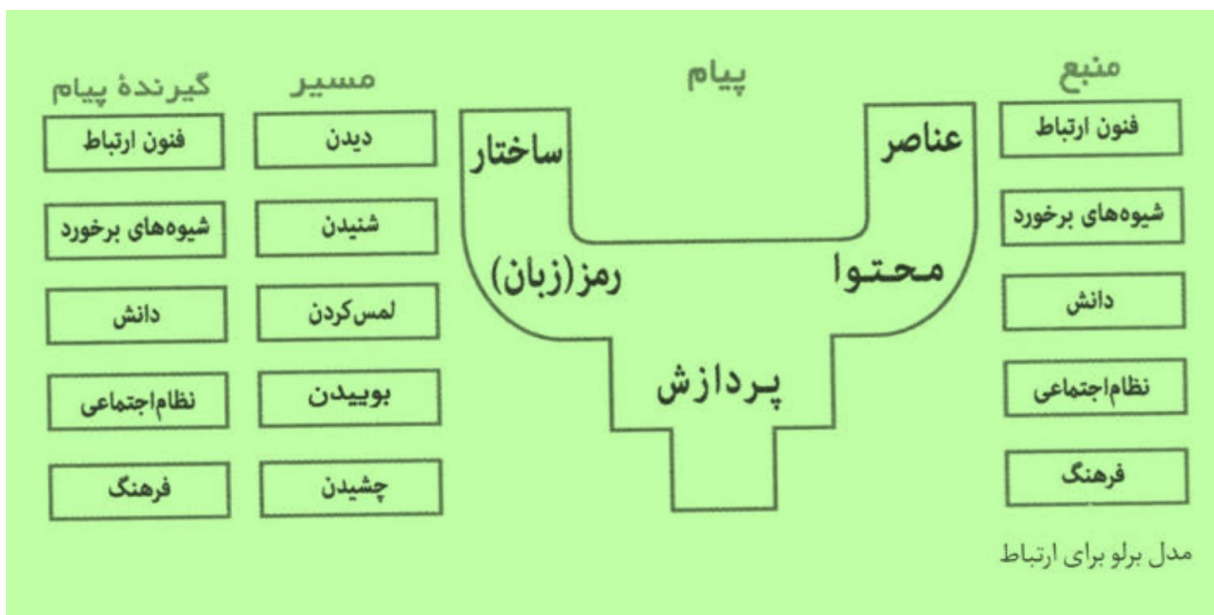


(عامل‌های مزاحم در ارتباط)

این پنج عامل را می‌توان بنا بر کاربرد آن‌ها به شکل‌های مختلف دیگر نیز بیان کرد، که در تحلیل ساده فرایند «ارتباط» کارایی دارند:

-مبدا خبر- انتقال دهنده- راه و مسیر- دریافت کننده- مقصد خبر
- پیام- استفاده از زبان- رسانه- استفاده از زبان- تفسیر مخاطب

کمی پیش‌تر از مدل شانون و ویور، متخصص معروف دیگری به نام برلو [D.K. Berlo] مدل دیگری را برای نمایش رابطه‌های متقابل و پیچیده دو طرف ارتباط مطرح کرد. مدل برلو بر اساس مهارت و دانش مشترک دو طرف برقرارکننده ارتباط پیشنهاد شده است. از این مدل به‌طور خلاصه می‌توان نتیجه گرفت که: **اول-** فرستنده پیام و دریافت‌کننده آن باید از مجموعه مهارت‌های مشترکی برخوردار باشند، و **وجه فرهنگی- اجتماعی** مشترکی در شیوه تفسیر و برخورد با موضوع داشته باشند. **دوم-** دو طرف ارتباط، از مسیر ارتباطی قابل دسترس و واحدی برای برقراری ارتباط استفاده می‌کنند. **سوم-** پیام مجموعه‌ای است که از اجزای به هم پیوسته شکل و محتوا ساخته شده، که باید بنا بر پیش‌فرض اول و دوم، طی کنش و واکنش خاصی ساخته و پرداخته شود. نمودار مدل برلو را نشان می‌دهد:



از این مدل یا الگوهای ساده شده برای ارتباط، می‌توان نتیجه گرفت که انتقال خبر یا پیام در پنج مرحله صورت می‌گیرد:

۱. انتخاب فکر و ایده‌هایی که باید منتقل شوند.

۲. انتخاب کلمات، زبان یا علائم کدگذاری شده دیگر برای انتقال خبر.

۳. انتخاب مسیر و روش انتقال یا رسانه.

۴. کدخوانی یا فهمیدن زبان مورد استفاده گیرنده خبر یا پیام.

۵. تفسیر و ادراک نهایی مخاطبی یا گیرنده پیام.

این مدل یا الگو در بعضی از مطالب بطور محدود پاسخگو است، ولی همانطور که بعد از این خواهیم دید، بیش‌تر فرایندهای ارتباطی به‌خصوص ارتباط تصویری بسیار پیچیده‌تر از این الگوهای ساده است و دست‌کم برای تحلیل فرایند ارتباط تصویری کافی نیست. به‌طور کلی می‌توان پذیرفت که ارتباط فرایندی است دوطرفه که طی آن هر دو طرف باید به فهم و درکی متقابل از یکدیگر برسند. طرفین در این فرایند نه تنها باید اطلاعات مشترکی (مثل زبان، نشانه‌های تصویری یا شیوه‌های کدگذاری و کدخوانی) بین خود داشته باشند، بلکه باید پیام یا خبر را تا حدودی باهم بسازند تا سرانجام بتوانند به معنایی مشترک از آن دست یابند.